

گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با حسین راغفر استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا

کارنامه فقر در دولت تدبیر و امید

دکتر حسین راغفر پژوهشگر حوزه فقر و عدالت اقتصادی در گفتگو با کارایی درباره فقر و نابرابری در سال ۹۵ گفت: فقر و نابرابری در ایران در طی سال ۹۵ بیشتر شده است. متأسفانه طی این ۲ سال گذشته شاهد افزایش فقر هستیم. علت آن هم کاملاً مشخص است مسئله به رکود اقتصادی بازمی‌گردد. رکود خود به معنی کاهش ظرفیت اشتغال در کشور است. و شغل کمتر شده و بنابراین فقر به طور طبیعی بیشتر می‌شود.



بوده است. رکود به معنی کاهش ظرفیت اشتغال در کشور است. بدین ترتیب شغل کمتر شده و فقر به عنوان نتیجه طبیعی کاهش اشتغال بیشتر می‌شود.

کارایی: آیا راهکارهای مشخصی در زمینهی کاهش فقر آموزش، سلامت وجود دارد؟

راغفر: برای فقر زدایی در کشورهای دنیا بهترین و موثرترین روش ایجاد اشتغال و به خصوص اشتغال پایدار است. بنابراین مسئله این است که چگونه باید بتوانیم شغل ایجاد کنیم. اما متأسفانه مساله این است که اقتصاد ایران در شرایط کنونی به دلایل مختلف قادر به خلق شغل با ساختارهای موجود برای جمعیت متقاضی ورود به بازار کار نیست. به همین دلیل ما شاهد افزایش بیکاری خواهیم بود. این البته در سال آینده و حتی سال‌های آینده نیز اتفاق خواهد افتاد مگر این که تغییری جدی در چند حوزه صورت بگیرد.

اولین آن‌ها مسئله‌ی تغییر در نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی در کشور است به خصوص در حوزه اقتصادی که مسئول بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی است. در این فرایند می‌بینیم که تصمیمات اقتصادی که اتخاذ می‌شود، عمدتاً برای حفظ منافع گروه‌های خاصی است و این نه برای عموم مردم و متقاضیان بازار کار بلکه برای تامین صنایع بزرگ و منابع بزرگی از کشور تامین نیازهای آن‌ها صورت می‌گیرد. در حالی که عمده

کارایی: وضعیت فقر و نابرابری را در اقتصاد ۹۵ به طور کلی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

راغفر: فقر و نابرابری در ایران در طی سال ۹۵ بیشتر شده به گونه‌ای که نابرابری اندکی بیشتر از فقر شده است. شاهد روند کاهشی نابرابری بوده‌ایم اما این به معنای بهبود توزیع درآمد در ایران نبوده و نیست. متأسفانه در برنامه ششم هم مسئله‌ی شاخص کاهش ضریب جینی به ۰.۳۴ است. این مساله ضرورتاً به معنای بهبود توزیع درآمد در کشور نیست. از سال ۱۳۸۴ به این طرف، شاهد افزایش تدریجی فقر و از سال ۱۳۸۶ شاهد کاهش ضریب جینی هستیم که کاهش این شاخص به معنای بهبود توزیع درآمد نیست. نابرابری عملاً به معنای پراکندگی توزیع درآمد است، هر چقدر این دو به هم نزدیک‌تر شوند، فراوانی گروهی از صاحبان درآمد پایین بیشتر می‌شود و وزن این گروه‌ها نیز بیشتر می‌شود. بنابراین ممکن است این امر باعث تغییر ضریب جینی در کشور شود. به همین دلیل ضریب جینی در ایران از سال ۸۶ کاهش پیدا کرده ولی این کاهش به معنای بهبود نبوده بلکه به معنای فقیرتر شدن طبقه متوسط در جامعه بوده است، معنای دیگر این امر این است که جمعیت فقیر ما بیشتر شده به گونه‌ای که سایر شاخص‌های مرتبط با فقر و درآمد سرانه بیانگر همین موضوع بوده‌اند. متأسفانه طی دو سال گذشته شاهد افزایش فقر بوده‌ایم. علت آن هم به طور مشخص مسئله رکود اقتصادی

این منابع از ناکارآمدی بسیار جدی و عمیقی رنج می‌برند و قادر به رقابت در سطح جهانی هم نیستند. اما از منابع یارانه‌ای گسترده‌ای در دولت بهره‌مند هستند. منابعی که در جهت حفظ منافع عمومی باشد می‌تواند به شکل بهتری مورد استفاده قرار گیرد این امر امکان‌پذیر نشده است. به عنوان مثال خود نظام برنامه‌ریزی در کشور ما متأسفانه یکی از این نظام‌های تصمیم‌گیری اساسی است که منابع را به سمت و سوی سوق می‌دهد که منافع عمومی و ملی تامین نمی‌شود. به عنوان مثال اقدامات اصلی که در دولت یازدهم عنوان شد. مانند برنامه خروج از رکود که عمدتاً در پی تامین نیازهای منابع خودروسازان، منابع بانکی و صنایع فولادی بود. در حالی که منابع بزرگی از بخش عمومی و بانک مرکزی به این صنایع تزریق شد و فقط گروه قلبی از این تغییرات منتفع شدند. در واقع خودروهایی فاقد بهره‌وری لازم به مردم فروخته شد در حالی که این منابع می‌توانست با هدف قراردادن ایجاد اشتغال، جمعیت بسیار قابل توجهی را منتفع نماید. سیاست‌های اقتصادی عمدتاً با هدف تامین منافع گروه‌های خاص و پرنفوذ تدوین شده است بدون اینکه منافع عمومی و منافع گروه‌های گسترده را تامین کند از این رو این برنامه‌ها خود یکی از علل اصلی وضع موجود هستند.

عامل دوم که باز بی ارتباط به مسئله اول نیست، ناکارآمدی نظام بانکی است. ناکارآمدی نظام بانکی

باعث شده است. هزینه‌های فعالیت‌های بانکی و تامین منابع فعالیت‌های اقتصادی به شدت کلان باشد. این هزینه‌ها اصلاً قابل رقابت با کشورهای همسایه نیست و همین امر سبب می‌شود که بسیاری از بنگاه‌های داخلی قادر به ادامه حیات نباشند و ورشکست شوند. این مسأله، زمینه را برای حضور کالاهای خارجی در بازارهای ایران فراهم می‌کند. نکته دوم هم این است که سیاست‌های نظام بانکی در ایران به شدت به نفع فعالیت‌های غیر مولد و یا واردات و یا تجارت است. به دلیل اینکه این موارد فعالیت‌های پرسودی هستند و سرعت بازدهی در آن‌ها بالاست. بنابراین سعی بر این است که منابع را به طرف فعالیت‌های این چنینی سمت سوق بدهند و این یکی دیگر از مشکل‌های نظام بانکی است.

نکته دیگری که موجب کج کارکردی‌های اقتصاد ایران می‌شود مسئله نظام مالیاتی است که در آن مالیات‌ها عمدتاً متوجه بخش تولید و بخش مولد جامعه است و بخش‌های نامولد که در آن‌ها سفته بازی جریان دارد، مالیات به مراتب کمتری می‌پردازند و بیشترین منابع مولد مالیات‌ها هم از بنگاه‌های بخش صنعتی است. این در حالی است که بنگاه‌های تولیدی در شرایط رکود با مشکلات متعددی روبرو هستند و بیشترین فشار متوجه این بخش از تولید کشور است در عین حال این بخش، اصلی‌ترین، ایجاد کننده‌ی شغل در کشور است. و این مشکل دیگری است که ما با آن روبه‌رو هستیم. مادامی که این موارد از بین نروند، امکان خلق شغل وجود ندارد. شغل که ایجاد نشود نظام‌های بیمه‌ای در کشور، بیمه‌های تامین اجتماعی، بازنشستگی، نمی‌توانند به طور مناسب کار کنند. این صندوق‌ها هم اکنون با مشکلات جدی روبرو هستند وقتی اشتغال نیست درآمد دولت به شدت کاهش پیدا می‌کند درآمد مالیاتی که دولت می‌تواند بدست بیاورد کاهش پیدا می‌کند همین هم سبب می‌شود خدمات بخش عمومی با مشکل مواجه شوند. از این رو خدمات بخش عمومی مانند خدمات بخش سلامت، آموزش پرورش، آموزش عالی و حوزه سلامت با مخاطره مواجه می‌شوند به دلیل اینکه این دسته از خدمات توسط بخش عمومی یا با کیفیت نازل ارائه می‌شود و یا اصلاً در بعضی موارد ارائه نمی‌شود. فقر در میان گروه‌های پایین بیشتر می‌شود.

کارایی: آیا در بودجه ۹۶ ملاحظات مربوط به فقر و نابرابری در نظر گرفته شده است؟

راغفر: الزاماتی در کل برنامه ششم وجود دارد که قرار است به صورت

لایحه در طی سال‌های برنامه در بودجه دیده شود دولت عملاً این موضوع را دیده است؛ ولی واقعیت این است که بدون اصلاحات اساسی که به آن اشاره کردم، عملاً ما شاهد افزایش فقر، نابرابری در کشور خواهیم بود. چون اقتصاد به طور کلی توانایی خلق شغل ندارد. از این جهت مادامی که این مسئله مرتفع نشود و ظرفیتهای اشتغال در کشور افزایش پیدا نکند، کمک‌هایی که امروزه به صورت یارانه نقدی پرداخت می‌شود می‌تواند به نقض غرض بدل شوند. برخلاف آنچه که تصور می‌شود، این‌ها باعث افزایش تورم می‌شود و تورم یکی از اصلی‌ترین عوامل کاهش قدرت خرید گروه‌های پایین درآمدی است. این گروه‌ها به شدت از این موضوع آسیب می‌بینند. بنابراین برای اینکه

وضعیت مردم بهبود پیدا کند همین منابع یارانه‌ای نقدی که به جمعیت قابل توجهی که استحقاق لازم را هم ندارند، پرداخت می‌شود بایستی به سمت سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال سوق یابد. تا برای گروه‌های پایین درآمدی شغل ایجاد شود. نه این‌که در صنایع سرمایه‌بر مثل پتروشیمی ها، سرمایه‌گذاری صورت گیرد که اشتغال چندانی هم ایجاد نمی‌کند.

کارایی: در فضای جهانی در رابطه با شاخص فقر و نابرابری در چه رتبه‌ای قرار داریم؟

راغفر: شاخص‌های چند بعدی در مقایسه‌های بین‌المللی مشکلات بسیار جدی دارند. علت این است که بسیاری از مفاهیم و متغیرها، از یک

کشور به کشور دیگر فرق می‌کند و اصلاً مقایسه‌های بین‌المللی خیلی قابل اتکا نیستند به خصوص این‌که با یک سری مفاهیم مبهم مثل فقر چند بعدی و شاخص‌های فقر چند بعدی روبه‌رو هستیم. بنابراین نمی‌شود به آن‌ها اتکا کرد و چنین شاخص‌هایی را منشاء مقایسه قرار داد. به عنوان مثال، نابرابری در کشورهای صنعتی از این دست مفاهیم است که بر مبنای شاخص‌ها وضعیتی بدتر از وضعیت ما دارند. در آمریکا شاخص ضریب جینی بالاتر از شاخص ضریب جینی در ایران است. اما این امر ضرورتاً این به معنای این نیست که وضع مردم در آمریکا بدتر از وضع مردم ماست.

بنابراین به نظرم این‌گونه شاخص‌ها قابلیت اتکا ندارند. مثلاً شاخص ضریب جینی در افغانستان پایین‌ترین میزان در بین کشورهای منطقه است ولی این امر ضرورتاً به معنای این نیست که وضع مردم در افغانستان بهتر از همه‌ی کشورهای منطقه از جمله ایران، عربستان، ترکیه و کشورهای خلیج فارس مثل دبی، ابوظبی و قطر هست. و احتمالاً مردمان افغانستان از همه‌ی مردمان این کشورها فقیرتر هم هستند و وضع مردم بدتر است. اما شاخص‌های بین‌المللی آدرس دیگری می‌دهند. بنابراین این شاخص‌های بین‌المللی خیلی قابل اتکا نیستند. با توجه به ظرفیتهای اقتصادی کشور، وضع فقر در ایران نسبتاً بالاست و نابرابری هم به شدت بالاست حتی اگر ضریب جینی هم این مسأله را نشان ندهد. ما برای اندازه‌گیری نابرابری به بسیاری از شاخص‌های متعدد دیگر هم نیاز داریم که می‌توانیم آن شاخص‌ها را در بطن جامعه‌ی خود و براساس مسائل موجود مورد شناسایی قرار دهیم. از جمله این مسائل به عنوان مثال رژه اشرافیتی است که در خیابان‌ها شاهد آن هستیم. همچنین فقر گسترده‌ای که در کلان‌شهرها وجود دارد. مجموعه‌ای از عوامل موجب می‌شود، تصویری که از شاخص‌های ملی ارائه می‌شود نیز از جمله‌ی این موارد است مخدوش باشد. از طرف دیگر شاخص‌هایی که در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند، کیفیت مقایسه و مورد استفاده قرار گرفتن در هر کشور و تحت هر شرایطی را ندارند. از این جهت ما می‌بایست بیشتر نگاه معطوف به مسائل داخلی خود را داشته باشیم. متأسفانه در وضعیت داخلی هم در مقایسه با ظرفیتهای داخلی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو هستیم و وضع مطلوبی نداریم.